



اعلام موجودیت کمیته ولایتی کرج اتحاد فدائیان کمونیست

کارگران و زحمتکشان
دانش آموزان و آموزگاران
جوانان و مردم مبارز کرج
بدین وسیله تشکیل کمیته ولایتی کرج و آغاز فعالیت متشکل در این
شهر و شهرستانها و شهرکهای تابعه را به اطلاع عموم میرسانیم.
شما بخوبی آگاه هستید که در تمامی عرصه های مبارزاتی اعم از
صنفی یا سیاسی طبقه کارگر و در راستای منافع پرولتاریا در حفظ و
تلاش برای منافع تمامی خلقهای تحت ستم نام فدائی بر تارک
مبارزات خلق در بندمان چون ستاره ای درخشان حک گردیده است و
در تاریخ مبارزات پر از فراز و نشیب چهار دهه اخیر کشورمان ایران از
کوههای سر به فلک کشیده زاگرس تا پهن دشت خوزستان و جنگلهای
سرسبز شمال و کویرهای خشک و بی آب بلوچستان مردم زحمتکش و
خلقهای تحت ستم شاهد مبارزات تا پای جان فدائیان در دفاع از
حقوق حقه کارگران، دهقانان، کودکان و زنان و سایر زحمتکشان
بوده اند. فدائیان که برای محو هر گونه استثمار و ظلم و ستم و

بقیه در صفحه ۳

تداوم عملیات نظامی در عراق و تغییر محوری درسیاست های آمریکا در رابطه با ایران!

نتایج سیاست جنگی و تجاوزکارانه آمریکا در منطقه و حمله نظامی آن
به عراق و ناتوانی آن در مهار اقدامات مسلحانه و تثبیت موقعیت خود
در عراق امپریالیسم آمریکا را وادار کرده است تا در رابطه با ادعاهای
اولیه خود به پاره ای از عقب نشینی ها تن در دهد.
این سیاست عقب نشینی بالاچار چند عرصه مختلف را دربرمیگیرد،
سازش و تعدیل سیاست خود در قبال اتحادیه اروپا و سازمان ملل
و تعدیل این سیاست درباره کشورهای که قبلا جزو ((محور شر))
نامیده شده بودند و قرار بود بعد از یکسره کردن کار عراق و صدام
حسین و هدفهای بعدی آمریکا را تشکیل دهند.
در رابطه با اختلافات عمده آمریکا با اتحادیه اروپا و سازمان ملل، که
خواهان دادن نقش کلیدی به سازمان ملل در بازسازی عراق و
واگذار کردن قدرت به ((مردم)) آن کشور در کوتاه مدت هستند و قبول
آنها یکی از شروط اعزام نیرو و کمک به آمریکا در برقراری ثبات
در عراق تعیین کرده اند. بوش در آخرین سخنرانی خود که روز
بیستم نوامبر در لندن ایراد کرد، به دو مورد تاکید نمود، اول اینکه
امریکا به داشتن نقش محوری سازمان ملل در آینده پایبند خواهد
بود، دوم در رابطه با بحرانهای منطقه ای، هرگاه اقدامات دیپلماتیک
کارآیی خود را از دست بدهد بمثابه آخرین حربه، به اقدام نظامی
متوسل خواهد شد.

این اظهار نظر در واقع امر هنوز هیچ گونه نشانه ای از تغییر اساسی
در سیاست آمریکا نشان نمیدهد شاید تنها قبول صریح نقش محوری
سازمان ملل است که زمینه و دروازه بده بستان و سازش هر چند
موقتی آمریکا با اتحادیه اروپا را باز میگذارد در عین حال بند دوم
کماکان بر محوریت تصمیمات آمریکا و اقدامات نظامی آن در صورت
لزوم و بدون توجه به موضع سازمان ملل تاکید میورزد. اما ماهیت این
کشمکشها و بده بستانها که هم اکنون در لندن جریان دارد هرچی که
باشد در شرایط فعلی آمریکا را مجبور میکند تا درسیاست های خود
تغییراتی را در جهت هماهنگ شدن با اتحادیه اروپا ایجاد کند. اکنون
باید منتظر شد و دید که مذاکرات فشرده اخیر در لندن چه نتایج
سیاسی مشخصی بار خواهد آورد.

اما در رابطه با ایران این سیاست از ماه ها قبل تقریبا به شکل
واضحتری رو به تغییر نهاده است. آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر جمهوری
اسلامی را بعنوان یکی از محورهای شر تحت فشارهای شدید قرارداده
بقیه در صفحه ۲

در صفحات بعد:

- صفحه ۴ افشای جاسوسان و ترورست های رژیم در سوئد!
- صفحه ۴ مسافرین امروز ایران، پنا هندگان دیروز
- صفحه ۷ گرانی باد هفتاد و هشتمین سالگرد انقلاب اکتبر
- صفحه ۸ پنج سال از قتلهای معروف به زنجیره ای گذشت!
- صفحه ۸ حکم سنگسار ۴ زن در مشهد
- صفحه ۸ چند خبر
- صفحه ۱۱ گوشه کوچکی از آنچه در زیر پوست شهر میگذرد
- صفحه ۱۳ دیدگاه ها!
- صفحه ۱۴ نمونه گزارشاتی از وضعیت اسف بار زندگی مردم...
- صفحه ۱۵ صفرخان، قهرمانلارین بیر قزیل اولدوزو!

کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!

تداوم عملیات نظامی در عراق و...

بقیه از صفحه اول

نظامی و غیره اجتناب ناپذیر کرده است و نیز با وقوف به این که با توجه به گرفتاریهای متعدد آمریکا در عراق و در سطح جهان و با در نظر گرفتن شرایط سیاسی و اجتماعی ایران، آمریکا درموقعیت حمله نظامی نیست و امید های آمریکا نیز برای ایجاد و تقویت یک اپوزیسیون قوی و قدرتمند طرفدار خودش و مورد قبول حداقل بخشی از مردم هم میسر نیست و با شکست مواجه شده است و از طرفی آمریکا برای حل مشکلاتی که در باطلاق عراق بدان گرفتار آمده و به قطع تحریکات و کمک آنها نیازمند است، تلاش میکنند تا از یکسو از طریق سازش و بده بستن و از سوی دیگر با دامن زدن به بحران در منطقه موقعیت متزلزل خود را تحکیم کنند. این سیاست را تمام سردمداران رژیم و آشکارتر از همه هاشمی رفسنجانی بارها و بارها گوشزد نموده است. او صراحتاً اعلام کرده است که دولت آمریکا بدلیل مشکلات موجود بویژه درعراق و بدلیل شکست سیاست هایش در بی ثبات کردن ایران، سیاست خود را تغییر داده و خواهان مذاکره با جمهوری اسلامی است و برای حل مشکل عراق به کمک ما احتیاج دارد و ناگزیر از مذاکره با ایران است و ایران نیز آماده گفتگو و معامله است .

اما میدانیم که اولاً تغییر سیاست آمریکا هرچه که باشد استراتژی عمومی آنرا در منطقه نفی نمیکند و این سیاست یک سیاست موقتی است. دوم اینکه مافیای حاکم بر ایران سیاست خود را بر استفاده از موقعیت کنونی آمریکا و تلاش برای سازش و معامله با آن استوار کرده اند. اما روشن است که آمریکا در هر حال براساس منافع خود عمل خواهد کرد و با در نظر گرفتن مدت کمی که به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باقی مانده است، بخشی از سیاست ها و معاملات بوش میتواند در راستای پیروزی درانتخابات آینده طرح ریزی شود. اما هیچ تضمینی نیست که بعد از انتخابات همه این معاملات به طاق نسیان سپرده نشود. بویژه اینکه عدم پایگاه مردمی رژیم و تنفر عمومی از آن و گسترش روزافزون مبارزات حق طلبانه مردم، خود هشداربست به آمریکا که در صورت حل موقتی مساله عراق و جلب پشتیبانی اتحادیه اروپا و روسیه دیگر نیازی به کمک ایران نداشته باشد، طرح ریزی یک چنین سیاستی را از هم اکنون میشود ملاحظه کرد .

حدود چند ماه قبل بموازات گسترش عملیات نظامی برعلیه نیروهای اشغالگر در عراق بود که آمریکا تحت فشار دولت های آلمان فرانسه و روسیه قبول کرد که امنیت عراق را از طریق مشارکت کشورهای همسایه تامین کند. یکی از این همسایه ها هم ایران بود که برسر مشارکت آن

بود و از آن بمثابة حامی تروریسم، ناقض حقوق بشر و برهم زننده صلح و ثبات منطقه یاد کرده بودند و بارها بطور مستقیم و غیر مستقیم تغییر رژیم و احتمال حمله نظامی به ایران را مطرح نموده بودند. این تهدیدات بقدری آشکار و قریب به یقین نموده میشد که علاوه بر بخش زیادی از نیروهای داخل رژیم و جریانات اپوزیسیون خارج ازکشور، وارثان سلطنت را نیز برآن داشته بود تا بامید بازگرداندن تاج و تخت توسط آمریکا به فعالیت گسترده ای در داخل و خارج دست بزنند.

اما حوادث و اتفاقات بعد از تسخیر عراق این رويا ها را نقش بر آب کرد. گسترش مداوم عملیات نظامی برعلیه نیروهای اشغالگر و خطر گسترش آن به کشورهای دیگر که نمونه آن را در انفجارات عظیم ترکیه شاهد هستیم و هزینه ها و خسارات و مشکلات عدیده گریبان گیر آمریکا، عملاً در شرایط مشخص کنونی ادامه برنامه جنگی و حملات نظامی و مداخله مستقیم درجهت تغییر رژیم ایران را برای سیاستگزاران آمریکا ناممکن کرده است. و آمریکا را وادار کرده است تا با وجود افزایش مشکلاتش در رابطه با ایران راه حل های دیگری را برای تامین منافع درازمدت خود در نظر بگیرد. بدون اینکه احتمال دخالت نظامی را در آینده منتفی بداند.

در این شکی نیست که جمهوری اسلامی در رابطه با تحولات عراق، صلح فلسطین، سازمان القاعده و اوضاع افغانستان با توجه به نفوذ و سوابق امر نقش مهمی بازی میکند. آمریکا که در پی پیاده کردن سیاست های خود در منطقه به هر قیمتی است، درشرایط فعلی یا باید ازطریق اقدام به برکناری این رژیم مشکلات پیش پای خودش در این رابطه را بردارد و یا اینکه ازطریق سازش و بده بستن با سران رژیم منافع خود را تامین نماید و با توجه به مشکلات موجود در عراق و بویژه با توجه به وضعیت اقتصادی اجتماعی و سیاسی ایران که هرگونه تحولی احتمال گسترش جنبش رادیکال توده ای را دربردارد که میتواند از کنترل خارج شده و به یک جنبش انقلابی علیه امپریالیسم و نظام سرمایه داری ارتقا یابد و... راه اول یعنی اقدام نظامی درشرایط کنونی منتفی است. اما راه دوم راهی است که آمریکا میکوشد با جلب حمایت اروپا و روسیه ازطریق فشار و سازش باجمهوری اسلامی برموانع موجود غلبه یابد.

موضع جمهوری اسلامی

رهبران جمهوری اسلامی نیز با وقوف به این امر که آمریکا برای پیاده کردن سیاست های خود به هر وسیله ای متوسل خواهد شد و با آگاهی به این امر که در شرایط کنونی مشکلات پیشاروی آمریکا تغییر و تحول درسیاست سابق ویرا مبنی بر تغییر رژیم ازطریق حمله

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

تداوم عملیات نظامی در عراق و...

بقیه از صفحه قبل

عراق سیاست آمریکا در قبال ایران را بلوکه کرده است)) اما اکنون و بعد از مذاکرات پل برمر در واشنگتن و بدنبال تغییر و تحولات هفته های گذشته برداشت و موضع او نیز تغییر کرده است. او در پی یک چنین تحولاتی است که درست با ۱۸۰ درجه تفاوت در موضع گیریهای قبلی خود به رهبران رژیم شدیداً حمله نمود. زیرا احساس میکند که دیگر نیازی به آنها ندارند. بدین ترتیب از حالا روشن است که سیاست پراکماتیستی رهبران جمهوری اسلامی در راس آنها باند خامنه ای رفسنجانی وضعیت آینده آنها را بر مبنای پیچیده تر خواهد کرد. تنها امیدی که در ناامیدی برای آنها باقی میماند استفاده از موقعیت فعلی در جهت سرکوب جنبش اعتراضی در داخل و تلاش جهت یکدست کردن قدرت سیاسی بمنظور حفظ پایه های قدرت متزلزل خود خواهد بود.

اما آنچه که به توده های مردم ایران بر میگردد عبارت از این است که برغم سیاست های امپریالیسم آمریکا در منطقه که جز به منافع غارتگرانه خود به چیز دیگری نمی اندیشد و برغم سیاست بحران سازی و بده بستن های جمهوری اسلامی با امپریالیستها در جهت تحکیم موقعیت ناپایدار خود، باید در جهت متحد شدن و متشکل شدن بمنظور گسترش مبارزه مستقل برای سرنگونی جمهوری اسلامی و بدست گرفتن سرنوشت خود پیش برود. برای مردم ایران که بیش از بیست و پنج سال است با یک رژیم سرکوبگر مذهبی دست و پنجه نرم کرده و آنرا به سراشیبی سقوط کشانده اند راهی جز گسترش مبارزه مستقل و بدست گرفتن سر نوشت خویش باقی نمانده است.

اعلام موجودیت کمیته ولایتی...

بقیه از صفحه اول

رسیدن به دموکراسی و عدالت اجتماعی که رسیدن به آن همانا منوط به برقراری سوسیالیسم می باشد از هیچ کوشش و تلاشی و حتی از بذل جان و پذیرش زندان و شکنجه های قرون وسطائی شاه و شیخ مضایفه نکرده اند و نمی کنند.

ولی متأسفانه مدتی بدلیل سرکوب شدید و استبداد حاکم و رکود جنبش در داخل و انشعابات عارض بر سازمان از بستر مبارزات داخل بدور مانده بودیم و حال ما فدائیان کمونیست که قبلاً تحت عنوان و در چهارچوب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سراسر ایران بر علیه هر گونه ستم طبقاتی و جنگ و جهل و دفاع از حقوق حقه کارگران و در این راستا دفاع از حقوق حقه و منافع خلقهای تحت ستم عمل می کردیم اینک پس از سالها وقفه با تشخیص به ضرورت

بقیه در صفحه بعد

در هیات حاکمه آمریکا اختلاف شدیدی بوجود آمد ولی سرانجام سیاستی که کالین پاول نمایندگی میکرد غالب شد. سیاست محافل میانه رو در آمریکا و در راس آنها کالین پاول مبنی بر تقویت اصلاح طلبان و مذاکره و مشارکت دادن ایران در بازسازی و امنیت عراق موقتاً به سیاست غالب تبدیل شد. آنها امیدوار بودند با مشارکت دادن ایران بخشهایی از مشکلات شان که مربوط به تحرکات ایران و مرزهای طولانی آن بود حل شود. درعین حال آنها امیدوار بودند با این سیاست اصلاحات در راستای دموکراتیزه شدن نسبی اوضاع و کنترل امور پیش برود. اما چیزی نگذشت که با آغاز ماه رمضان عملیات نظامی با شدتی بمراتب بیشتر ادامه یافت و به روزی بیش از چهل و پنجاه عملیات نظامی بر علیه نیروهای آمریکایی و تاسیسات دولتی رسید، حمله به مقر سازمان ملل و صلیب سرخ در عراق، به زیرافکندن سه هلی کوپتر نظامی اوضاع را بکلی دگرگون کرد. متعاقب این عملیات بود که ارزیابی مجدد از وضعیت عراق و آینده آن در دستور قرار گرفت. همزمان با سفر اضطراری پل برمر حاکم آمریکایی عراق به واشنگتن، خانم مارگارت سکوی، بعنوان سفیر آمریکا در سوریه تعیین شد. بیش از ده نفر از سناتورهای آمریکایی به سوریه رفته و در آنجا از ((توازن مشترک)) بین سوریه و آمریکا صحبت کردند در همین اثنا آرمیتاژ نفر دوم وزارت خارجه آمریکا به مصر و عربستان سعودی سفر کرد و همزمان از سوی دولت آمریکا ناتوانی شورای انتقالی عراق در کنترل امور مورد انتقاد شدید قرار گرفت و آنها متهم شدند که بیشتر به فکر مسائل گروهی و شخصی خودشان هستند تا مشکلات کشور!

مذاکرات اضطراری واشنگتن با حضور پل برمر و تحولات متعاقب آن و بویژه موضع گیری اخیر کالین پاول در رابطه با ایران مبین این واقعیت است که آمریکا درصدد است به جای امید بستن به همسایگان عراق بویژه ایران با شرکت دادن سران و نمایندگان یرنقوذ سنی های این کشور در شورای انتقالی عراق، وضعیت بوجود آمده را به کنترل در بیاورند. براساس این تصمیم قرار است ۲۵۰ نفر به تعداد اعضای فعلی شورای انتقالی اضافه شود که مورد پشتیبانی سوریه عربستان و کویت و مصر هستند. آمریکا امیدوار است با یک چنین تغییراتی موفق شود حداقل امنیت قسمت های مرکزی عراق را تامین کند. اگر این سیاست با موفقیت نسبی پیش برود مهمترین مانع از پیش پای سیاستهای آمریکا برداشته خواهد شد و دیگر نیاز آنچنانی به مشارکت دادن ایران و مذاکره و ساخت و پاخت با سران جمهوری اسلامی نخواهد بود. زمانی کالین پاول اعلام کرده بود که ((موضوع امنیت

اعلام موجودیت کمیته ولایتی...

بقیه از صفحه قبل

هیچ گونه شک و تردیدی ندارد. اما طبق قوانین سوئد تماس گرفتن و اطلاعات جمع کردن (جاسوسی) از پناهندگان، جرم محسوب نمی شود. ظاهراً این دو به آنچه که پلیس سوئد («جاسوسی آشکار و باز») میخواند متهم هستند. اما در این مورد قانون سوئد ناقص میباشد و در نتیجه آنها را مجرم نمیشناسند. قانون («جاسوسی آشکار و باز») قانونی است بسیار کهنه و قدیمی. هنگامی که این قانون وضع شد، سوئد هیچ پناهنده ای نداشت. اسرانجام این دو جاسوس که بر علیه پناهندگان سیاسی فعالیت میکردند، با وجود اعتراضات ایرانیان و مجامع مترقی سوئد مبنی بر افشا و سپردن آنها به دادگاه، به ایران تحویل دلد شدند. لازم به ذکر است که این دونفر از اعضای اطلاعات بلوچستان بودند و با استفاده از تمایل خانواده چند بلوچ برای مسافرت به ایران از آنها خواسته بودند که اطلاعاتی راجع به فعالیت و محل زندگی پناهندگان سیاسی و فعالین گروه ها در اختیارشان قرار دهند. این درخواست بنا به گفته افراد مزبور همراه با تطمیع و تهدید صورت گرفته است که البته آنها از همکاری با این جنایتکاران خودداری نموده اند.

در همین رابطه واحد سوئد سازمان ضمن افشای اسامی این جاسوسان احزاب، سازمانها و انجمن ها و اتحادیه ها را دعوت کرده است تا ضمن افشای فعالیت های جاسوسی و تروریستی جمهوری اسلامی بر علیه پناهندگان، این اعمال مماشات جویانه دولت سوئد را محکوم کنند.

تشکل جهت بارور کردن مبارزات مردمی با جمع بندی از اشتباهات گذشته و انتقاد از خود به سازماندهی کمیته ولایتی کرج با کیفیتی نوین و فعالیت سازمان یافته و با برنامه های کمیته ولایتی کرج جدا از برنامه های سازمان سراسری فدائیان کمونیست نمی باشد. سازمان فدائیان کمونیست سازمانی است سراسری طبقاتی و کارگری ابزاری که طبقه کارگر را برای رسیدن به مطالبات صنفی و سیاسی خود از تامین حقوق اولیه صنفی و سیاسی گرفته تا بدست گرفتن قدرت سیاسی و اداره امور کشور یاری میرساند و ما نیز در کرج همچون سایر مناطق بعنوان یک جریان سوسیالیستی و طرف تشکل سیاسی و طبقاتی کارگران و دخیل در مبارزه روزمره آنان و مدافع مبارزات علیه بیکاری ستم جنسی ستم ملی در کنار کلیه افشار زحمتکش جامعه عمل خواهیم کرد.

ما از کلیه کارگران و روشنفکران انقلابی زنان و جوانان و زحمتکشان شهر و روستاهای تابعه و از همه کمونیستها و رفقای فدائی و جوانان مشتاق به مبارزه دعوت می کنیم که به صفوف ما در کمیته ولایتی کرج پیوسته و در راه رسیدن به جامعه ای بری از هر گونه ستم و استثمار و سرکوب و برای آزادی و سوسیالیسم با ما همراه و همزم باشند.

کمیته ولایتی کرج ۳۰.۸.۸۲

افشای جاسوسان و ترورست های رژیم در سوئد!



هفته گذشته طبق گزارش روزنامه سوئدی Aftonbladet افتون بلات دو مرد خارجی که ظاهراً برای کار دولتی به سوئد آمده بودند دستگیر شدند. دادستان سوئد حکم بازداشت آنها را صادر کرده است. اتهام این دو مامور دولتی جاسوسی بر علیه پناهندگانی می باشد که از کشور متبوعه این دو جاسوس دولتی سالها پیش فرار کرده اند. پلیس سوئد در مورد جاسوس بودن آنها

مسافرین امروز ایران، پناهندگان دیروز

نظام مابری

اغلب کسانی که امروزه مسافرین ایران هستند تا دیروز دارای پاس پناهندگی، آنهم عموماً سیاسی بودند، اما از چند سال پیش، که ج. ا سیاست بازگشت ایرانیان را اتخاذ نمود، روز بروز بر تعداد این مسافرین افزوده شد و بخش زیادی از این مسافرین همان کسانی هستند که در دادگاه بر سیاسی بودن خود اصرار می ورزیدند و از آن طرف دیگران تاکید میکردند که هرگز سیاسی نبوده اند و حتی نمی دانند که سیاست را با س مینویسند یا با ص، و بخشی از همین مسافرین، کسانی را که فعال سیاسی هستند تحت فشار می گذارند تا آنان نیز به خیل عظیم مسافرین بپیوندند و برای آنکه مبارزات فعالین سیاسی را بی ارزش کنند، کار و فعالیت

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

مسافرین امروز ایران...

بقیه از صفحه قبل

دیگر ج . ا می تواند هر موقع که خواست این مسافرین را تحت فشار گذاشته و تلاش کند که به شکلی به خدمت خود

بقیه در صفحه بعد

جاودان باد یاد و خاطره شهدا و جان فشانان آبانماه سازمان!

پتک است خون من در دست کارگر
داس است خون من در دست برزگر

منصور اسکندری

سیروس سپهری

محمد رضا چمنی

عبدالرضا ماهیگیر

مریم دژآگاه

جمشید دژآگاه

عزت بهرامی

مجید شریفی

داود نوری

مهران محمدی

داریوش مولوی

رحیم خدادادی

مرتضی فخر طباطبائی

عثمان گرمی

علی اصغر غلامی

محمد چشم براه

علی دبیری فرد

هوشنگ والی زاده

علی مملی

مظفر قادری

علی جدیدی

رضا حسینی مستعان

جهانبخش طغیانی

نصرت رئیسی

مسعود شوقیان

هادی اشکافی

قربان قریبی

علی بهروزی

محمد چشم براه

وعده ییشمارانی که هنوز نام و مشخصات کامل شان بدست ما نرسیده است!

سیاسی را سرگرمی و تفریح آنان بیان میکنند و از طرفی دیگر عنوان می کنند که کار سیاسی فقط در داخل کشور مورد قبول ماست و حتی فعالیت سیاسی در خارج را بی ارزش می دانند. آنها خود خوب می دانند که فعالین سیاسی به دلخواه در تبعید بسر نمی برند و پناهندگی که آنها از آن استفاده کرده اند و از مزایای آن بهره می برند، چیزی جز نتایج سرکوب و کشتار فعالین سیاسی توسط رژیم ج . ا نبوده است. امروزه کسانی هستند که بعد از یکی دو سال، هنوز موفق به گرفتن پاس سیاسی نشده اند ولی امیدوارند که در دادگاه قبول شوند و سریعاً موجبات مسافرت برایشان هموار شود تا به دیدار خانواده نائل شوند، گوئی آنکه، آنتائی که بیش از ۲۰ سال است که در تبعید بسر می برند، عزیزی را در ایران ندارند؟

مسلماً حرکات جمعی و عمومی مردم یک کشور در لحظات و وقایع مختلف، تاریخ آن کشور را خواهد ساخت ولی از تک تک آنها در ساختن آن تاریخ نام برده نخواهد شد. در تاریخ، خاطرات و نوشته های سیاسی، زمانی که به سیاستهای ج . ا درقبال پناهندگان پرداخته شود و یا به آن نوشته ها رجوع شود آئین موقع خواهیم خواند که چگونه حاکمیت ج . ا برای خروج از بن بست سیاسی در سطح جهانی و اینکه عنوان کند شما (کشورهای که پاس سیاسی به ایرانیان داده اید) به ادعاهای دروغ مردم، که ما جانمان در خطر بوده، پاس داده اید و آنها می توانند براحتی به ایران رفت و آمد کنند و بدینوسیله موجبات سختتر و طولانی شدن روند پناهندگی را موجب شوند و از طرفی دیگر رژیم مخالفین خود را در خارج از کشور بین دوراهی و یک انتخاب قرار می دهد که شما نیز از فعالیت سیاسی دست بکشید و فراموش کنید آن جنایاتی را که ما صورت دادیم، با ما آشتی کنید، نسبت به مسائل سیاسی بی تفاوت بوده و فقط به فکر زندگی شخصی خود باشید و از حق خود و مردم بگذرید و از مسافرت به ایران لذت ببرید (حق السکوت) و از طرفی دیگر موجبات کاهش تحرکات سیاسی در خارج از کشور را بوجود بیاورند و البته موفق نیز بوده اند، چرا که زمانی اپوزسیون قادر بود، هزاران نفر را بر علیه ج . ا در خارج از کشور سازماندهی کند، اما امروزه همه مسافر ایران هستند و یا خود را برای مسافرت آماده میکنند، پس در حرکتهای سیاسی شرکت نمی کنند. از طرفی

مسافرین امروز ایران...

بقیه از صفحه قبل

۷_ افزایش فشار توسط خانواده فعالین سیاسی به علت عدم مسافرت آنان به ایران مانند دیگر مسافران، چرا که والدین آنرا بی احساسی یا بی مسئولیتی فرزندانسان قلمداد می‌کنند. ۸_ ایجاد اختلاف منافع بین مسافرین سابقاً پناهنده و کسانی که همچنان پناهنده محسوب میشوند چرا که دیگر دارای شرایط، اوضاع و منافع یکسانی نیستند.

کسانی که بعد از سال ۵۷ به خارج آمدند، ابتدا در سالهای اول عمدتاً به دلایل سیاسی و سرکوب پناهنده شدند.

سالهای جنگ عمدتاً به دلیل به خارج از کشور جنگ و مسائل اقتصادی به خارج آمدند که می‌توانستند به دلیل شرایط جنگی پناهنده شوند. اما پس از جنگ عمدتاً به دلایل اقتصادی، اجتماعی و نبود آزادی‌ها به خارج آمدند و مجبور شدند که برای ماندن پناهنده سیاسی شوند و جاسوسان رژیم نیز از این امکان پناهنده شدن استفاده کردند.

البته دلایل دیگری مانند علاقه داشتن به زندگی در خارج از کشور، دلایل مذهبی، تحصیلی و ازدواج را میتوان نام برد.

پناهندگان دیروز و مسافرین امروز را از لحاظ دلایل و انگیزه های مسافرتشان به ۶ گروه می‌توان تقسیم کرد

۱_ کسانی که به خاطر ارتباطات سیاسی در داخل کشور اینکار را کردند (که البته انگشت شمارند)

۲_ کسانی که به خاطر منافع شخصی اینکار را کردند که شامل اکثریت آنان میشود که به دو دسته تقسیم میشوند.

الف_ کسانی که به هیچ عنوان مسائل ایران و مردم آن برایشان مطرح نبوده است.

ب_ کسانی که نگران وضعیت سیاسی ایران نیز هستند و در دادن اطلاعات و اخبار به اپوزسیون خارج از کشور و مردم داخل تا حدی فعال هستند.

۳_ کسانی که جزو فعالین سابقاً سیاسی بودند و امروزه آن را به کنار گذاشته اند و تصور میکنند که سهم خود در مبارزات را انجام داده اند و امروزه می‌خواهند کمی بیشتر به فکر زندگی شخصی خود باشند.

۴_ کسانی که دچار مشکلات روحی و روانی شدند.

۵_ کسانی که دلایل خانوادگی، عاطفی یا انتخاب یک همسر از ایران را عنوان می‌کنند.

۶_ کسانی که عوامل و جاسوسان رژیم بودند و اکنون هم مقیم

در بیابورد و اگر آنها را خطری بدانند، هر لحظه که بخواهد می‌تواند دستگیرشان کند، به همین خاطر این مسافرین سعی میکنند که خودرادگیر مسائل سیاسی نکنند تا با مشکلی در این سفرها مواجه نشوند. اما برآستی در این میان چه کسانی باختند؟ آنان که در زندان کشته شدند؟ یا آنان که در زندان سالهای سال از زندگی خود را زیر فشار و شکنجه سپری کردند؟ یا آنان که نه در زندان تسلیم شدند و نه در تبعید سازش کردند؟ یا آنان که در این لحظات تاریخی بجای آنکه تلاششان آزادی و رفاه همگان باشد، منافع خود و آزادی و رفاه خود را بر منافع عام مردم ترجیح دادند؟ برآستی که تاوان آگاهی و مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی چه سنگین است. اما این باختن و از دست دادن، آگاهانه و افتخار آمیز است. در تاریخ خواهند نوشت که بعد از این سیاست بازگشت، جمعی رفتند و لذت بردند، بدون کوچکترین احساس مسئولیت در مقابل مردم و تاریخ، و جمعی ماندند و مقاومت کردند و افتخار ورزیدند که در مقابل استبداد مذهبی سرمایه داری سر فرود نیاروندن و این رژیم را به رسمیت نمی‌شاسند در واقع خواست رژیم برگشت بی تفاوتها و کسانی بوده که هرگز سیاسی نبوده اند تا از انبوه پناهندگان کاسته شود تا اپوزسیون نتواند تعداد زیادی را بر علیه ج. ا. بسیج کند. بطور کلی دلایل زیر را در سیاست بازگشت ایرانیان توسط رژیم می‌توانیم در ۸ مورد اصلی ذکر کنیم.

۱_ کاهش از فشار بین المللی بر رژیم و تلاش برای خروج از انزوای جهانی، چرا که پناهندگان نشانه و نتیجه سرکوب و کشتار ج. ا. هستند.

۲_ تبدیل پناهنده به مسافر

۳_ ورود ارز توسط مسافرین جدید ایرانی به کشور

۴_ کاهش کمی تحرکات اپوزسیون در خارج از کشور بدلیل مسافرت پناهندگان سابق به ایران

۵_ رها کردن سیاست توسط بخشی از فعالین سابق به منظور مسافرت به ایران و دادن این حق مسافرت به عنوان حق سکوت (بی تفاوت بودن در مقابل مسائل سیاسی)

۶_ متهم کردن اپوزسیون و پناهندگان در خارج از کشور به دروغگوئی توسط ج. ا. (چون آنان می‌گفتند جانمان در خطر است ولی اینک عموماً براحتی مسافرت می‌کنند)

بقیه در صفحه بعد

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

مسافرین امروز ایران...

بقیه از صفحه قبل

مشروعیت نمی‌بخشید، اگر از مشارکت مردم در حرکت‌های سیاسی نمی‌کاست، آئین‌موقع مخالفتی با آن بوجود نمی‌آمد. آری، عدم برخورد جدی سبب آن میشود که ارزشهای انسانی کمتر و فرد گرایی رشد کند و هر کسی به فکر خودش باشد. ضمناً تعداد زیادی امروزه پاس پناهندگی ندارند و بجای آن پاس و ملیت محل اقامت خود را دارا می‌باشند و در گذشته به عنوان آنکه جانشان در خطر بوده موفق به دریافت اقامت شده اند و به همین دلیل بحث ما در اینجا شامل حال آنها نیز می‌شود.

گرامی باد هفتاد و هشتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر!



هشتم نوامبر ۱۷ آبانماه هشتاد و هفتمین سالگرد انقلاب اکتبر بود، انقلابی که دنیا را تکان داد و برای اولین بار در تاریخ بشر پرچم سوسیالیسم توسط طبقه کارگر روسیه به اهتزاز درآمد. انقلاب اکتبر بدست طبقه کارگر قهرمان و محصول رهبری پیشاهنگ آن حزب بلشویک بود که با کار مداوم میان طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم و با سازماندهی قدرت فنا ناپذیر کارگران و جب حمایت و پشتیبانی اکثریت مردم ستمدیده به قدرتمندترین و پرنفوذترین و قابل اعتمادترین حزب کارگری سراسر روسیه و ملل مختلف تبدیل گردید. آنها با کار آگاه گرانه و سازمانگرانه نفوذ خود را در بین استثمار شوندهگان و ستمدیدگان گسترش داده و تحکیم بخشیدند و با شرکت عملی در مبارزه روزمره و اتخاذ تاکتیک های اصولی و عملی و انقلابی صحت رهبری و درستی استراتژی و تاکتیک هایشان را به اثبات رساندند و با جذب پشتیبانی میلیونها توده زحمتکش جنبش را به مراحل متکاملتری هدایت کردند و پیروزی برای بلشویکها محصول

بقیه در صفحه بعد

خارج از کشورند و هم مسافر و رابط اطلاعاتی هستند. کسانی که حاضر به تبدیل شدن از پناهنده به مسافر نیستند را به ۳ گروه عمده می‌توان تقسیم کرد.
۱_ کسانی که همچنان فعال سیاسی می‌باشند.
۲_ کسانی که به دلایل غیرسیاسی ولی به خاطر مشکلات اجتماعی، اقتصادی، نبود آزادی ها و نفرت از رژیم به خارج آمدند و برای رسیدن به حقوق انسانی خود مجبور شدند که پناهنده شوند و هرگز حاضر نیستند تا رهائی همه مردم به عنوان مسافر شناخته شوند، چرا که میدانند پناهنده یعنی کسی که پناه آورده است از دست رژیم سرکوبگری که به کشورش حکومت میکند حال آنکه مسافر فاقد هر گونه بارسیاسی است.
۳_ کسانی که سابقاً فعال سیاسی بودند و نمی‌توانند فراموش کنند جنایاتی را که موجب تبعید آنان گردید و یا جنایاتی را که به مردم ایران روا داشته می‌شود و هم اینکه پناهنده شناخته می‌شوند و با نرفتن خود به ایران به رژیم مشروعیت نمی‌بخشند را کافی می‌دانند.

اپوزسیون در مقابل مسئله بازگشت ۳ نوع سیاست اتخاذ نمود
۱_ سیاست سکوت
۲_ سیاست حمایتی
۳_ سیاست انتقادی
سیاستهای سکوت و حمایتی، اپورتنیستی است که عمدتاً توسط احزاب رفرمیستی اتخاذ شده است.
سیاست انتقادی و دادن آگاهی و تجزیه و تحلیل این سیاست ج . ۱ وظیفه نیروهای انقلابی است.
نیروهای رفرمیستی سعی کردند که مسئله بازگشت را یک امر خصوصی و شخصی قلمداد کنند در صورتی که مسئله ای اجتماعی و سیاسی است و بودن دیکتاتوری و کشتار و سرکوب مبارزین باعث پناهندگی پذیری شده است. مسئولیت ما با گرفتن پاس سیاسی تازه آغاز می‌شود. ما در مقابل مردمی که در خردادماه و تیر ماه بیش از ۵۰۰۰ نفرشان به زندان افتادند پاسخگو هستیم، اگر از آنها کسی به خارج بیاید و به دلیل مسافرت پناهندگان سابق، نتواند از حق خودش استفاده کند، و پناهندگی به آنها تعلق نگیرد چه کسی پاسخگو است؟ اگر مسافرت کسانی که تا دیروز پناهنده بودند به حق دیگران لطمه نمی‌زد، اگر باعث رد شدن متقاضیان پناهندگی نمی‌گشت، اگر روند پناهندگی را طولانی نمی‌کرد، اگر به رژیم

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

گرامی باد هفتاد و هشتمین سالگرد...

بقیه از صفحه قبل

چنین درآمیزی با جنبش طبقه کارگر و توده های رنجبر بود و نه امری اتفاقی و خودبخودی.

درمورد پیروزی انقلاب اکتبر مطالب زیادی نوشته شده است در این رابطه جان رید در کتابی تحت عنوان «ده روزی که دنیا را لرزاند» چنین میگوید «بلشویکها قدرت حاکمه را نه بوسیله سازش با طبقات حاکمه و یا با رهبران سیاسی دیگر و نه از طریق آشتی با دستگاه دولتی سابق قبضه کردند. آنها همچنین از راه اعمال قهر متشکل از یک دار و دسته کوچک باین هدف نرسیدند. اگر توده های وسیع اهالی روسیه آماده قیام نمیبودند آنها دچار شکست میشدند. یگانه سبب کامیابی عظیم بلشویکها در آن است که آنها آرزوهای بزرگ در عین حال ساده وسیعترین اقشار اهالی را تحقق بخشیدند. آنها را دعوت کردند که هر آنچه را که کهنه است ویران سازند و ریشه کن کنند و سپس بر روی ویرانه های گذشته پایه های جهان نوین را بنا نهند.»

حکم سنگسار زن در مشهد

طبق خبر منتشره در روزنامه قدس اخیراً جمهوری اسلامی ۴ زن دیگر را در مشهد به سنگسار محکوم نموده است. این احکام در حالی صادر شده است که مدتی قبل تحت فشار سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر و زیر فشار افشاگریهای سازمانهای انقلابی، شاهرودی رئیس قوه قضائیه قول داده بود که چنین احکامی دیگر صادر نخواهد شد. اما این اقدام جنایتکارانه بیدادگاه های رژیم اسلامی ضن دهن کجی به اعتراضات مجامع بین المللی و مردم مبارز ایران بویژه زنان به حکم سنگسار، نشاندهنده این واقعیت انکار ناپذیر است که به حرفها و قول و قرارهای سران و رهبران رژیم هیچگونه اعتمادی نیست و این رژیمی که به زور سرنیزه و با اعدام و زندان، شکنجه و سرکوب، سنگسار و دست و پا بردن و چشم در آوردن سرپا ایستاده هرگز نه میخواهد و نه میتواند به قول ها عوامفریبانه اش از جمله قول عدم صدور احکام سنگسار عمل کند.

چند خبر

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است!

۳۰۰ تن از کارگران کارخانه فرش گیلان نسبت به احتمال تعطیلی این کارخانه و بیکار شدن کارگران اعتراض کردند، این کارخانه قبلاً ۱۳۷۵ نفر کارگر داشت که در دور اول واگذاری آن به شرکت بیمه بیش از هزار و دویست نفر اخراج شدند.

پارس ایران

کارگران شرکت پارس ایران تولید کننده پارچه و پرده نسبت به عدم پرداخت حقوق خود دست به اعتراض زدند، کارگران این کارخانه بیش از ۵ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند، این کارگران تاکنون بارها و بارها دست به اعتراض زده اند اما تا کنون هیچ مرجعی به خواست های آنها پاسخ نگفته است.

کارگران واحد های تولیدی مازندران در وضعیت بحرانی به سرمیزنند!

یکی از نمایندگان خانه کارگر مازندران اظهار میدارد که در این منطقه بیش از ۵۰ درصد کارخانه هایی که در آنها طرح تغییر ساختار اجرا شده است تعطیل شده اند و هیچ مرجعی هم حاضر به پاسخگویی نیست. واحد های تولیدی فرش گیلان، چیت سازی بهشهر، نساجی طبرستان، تخته سه لایی شهید رجایی، نساجی چوخی ساری، جین مد آمل، دوخت خزراآمل، خزرنکابن، حریرقائم شهر، نمونه هایی از آنها

بقیه در صفحه بعد

پنج سال از قتل های معروف به زنجیره ای گشت !

اول آذر امسال پنجمین سالگرد قتل های زنجیره ای، قتل فجیع، مختاری، پوننده، پروانه و داریوش فروهر، مجید شریف، احمد میرعلایی، غفار حسینی، پرویز دوانی، حمید حاجی زاده، احمد تقضلی و دیگر طرفداران آزادی اندیشه و بیان است درحالیکه تاکنون نه تنها آمرین و عاملین این جنایات فجیع معرفی نشده اند بلکه افشاگران این جنایت ننگین و وکلای خانواده های مقتولین نیز در زندان به سرمیزنند. رهبران رژیم جمهوری اسلامی که خود آمرین این جنایت و جنایت های بیشمار دیگری محسوب میشوند، تا کنون به هر اقدامی متوسل شده اند تا ضمن ایجاد رعب و وحشت در میان مردم این جنایتها نیز به فراموشی سپرده شوند. اما این اقدامات سرکوبگرانه بجای ایجاد ترس و ناامیدی در مردم، انزجار از این دستگاه ستم و استثمار و زور و سرکوب را افزایش داده است. مردم مصممند تا آمرین و عاملین قتل های زنجیره ای و وده ها هزار اعدامی و شکنجه شده روشن نشده و به مجازات نرسیده اند، ازپای نشینند. ما ضمن گرامی داشت یاد تمامی انسانهایی که در طی این سالهای سیاه بخاطر آزادی و عدالت اجتماعی بدست تبهکاران حاکم بر ایران جان باخته اند، همه توده های مردم را به گسترش مبارزه و مقاومت در راه آزادی و برابری فرامیخوانیم.

کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

ادامه چند خبر

بقیه از صفحه قبل

هستند تعطیل شده و یا در حال تعطیل هستند. که تاکنون هزاران نفر از کارگران آنها بیکار شده اند.

تراکتورسازی تبریز

روز دوشنبه گذشته کارگران تراکتور سازی تبریز در اعتراض به شیوه واگذاری سهام ترجیحی دست از کار کشیدند.

کارخانه نخ ابریشم صومعه سرا

در پی تعطیلی این کارخانه که ناتوانی آن در رقابت با کالاهای مشابه ذکر شده است بیش از ۱۲۰ نفر از کارگران اخراج و در حالت بلا تکلیفی به سر میبرند.

کارخانه سبلان

این شرکت که از سال ۱۳۷۴ به تولید فرآورده های سیب زمینی مشغول بود اخیراً تعطیل شده و بیش از ۸۰ نفر از کارگران آن بیکار شده اند این کارگران خواهان روشن شدن وضعیت شان هستند.

تحسن کارگران کارخانه قند یاسوج

در پی تحسن کارگران کارخانه قند یاسوج که دلیل آن از سوی کارگران تبعیض، برخورد نادرست مدیریت و کمی حقوق و مزایا و به تعویق افتادن حقوق عنوان شده بود. خبرنگار ایسنا توضیحات بیشتر را از مدیرعامل کارخانه قند یاسوج جویا شد. مهندس حبیبی به خبرنگار ایسنا گفت: «نبود نقدینگی، افت قیمت شکر، وارد کردن غیرقانونی شکر و پرداخت نشدن مطالبات کارخانه توسط دولت از عوامل اصلی پرداخت نکردن حقوق چند ماهه کارگران این کارخانه است.» حبیبی افزود: «برای تامین نقدینگی و پرداخت حقوق معوقه کارگران مجبور هستیم که قیمت شکر را با ۳۰ تومان زیر قیمت مصوب خود دولت بفروش برسانیم.» وی درباره وجود تبعیض بین کارگران گفت: «بین افراد خلاق، مبتکر و تلاشگر و افرادی که به نحوی سعی میکنند زیر کار فرار کنند باید فرق باشد.» روز گذشته حدود ۱۰۰ نفر از کارگران کارخانه یاسوج به دلیل آنچه آن را کمی دیر پرداخت شدن حقوق، سوء مدیریت و تبعیض می نامیدند، دست به تحسن زدند. برخی از این کارگران در گفت و گو با خبرنگار ایسنا گفتند: «سوء مدیریت کارخانه قند و ایجاد تبعیض از سوی مدیران باعث نگرانیهای بسیار گسترده ای در این کارخانه شده است.» به گزارش خبرنگار کار آنان اعتقاد داشتند: «برخورد نادرست مدیریت و کمی حقوق نیز از عوامل عمده افزایش این نگرانیهاست.» این کارگران گفته اند تا مدیریت کارخانه قند

یاسوج تغییر نکند و به مطالبات کارگران پاسخی داده نشود، از تحسن خود دست بر نخواهند داشت. یکی دیگر از کارگران کارخانه قند یاسوج گفت: «از سال ۱۳۷۱ که قرار بود کارخانه به بخش خصوصی واگذار شود با استفاده از رابطه بازبها این واگذاری به افرادی که صلاحیت مدیریت کارخانه را نداشته اند، واگذار شده است.» یکی دیگر از کارگران کارخانه گفت: «با وجود شکایات متعددی که از دو سال پیش تا کنون با مراجعه به استانداری و فرمانداری انجام داده ایم اما تاکنون هیچ گونه پاسخ مناسبی از سوی آنها به ما ارائه نشده است و ما در اینجا از همه مسئولان کشوری و استانی می خواهیم که به فریاد این قشر محروم جامعه یعنی کارگران برسند تا چرخ تولید مملکت و استان هیچگاه از کار نیفتد.» این کارخانه ظرفیت پذیرش هزار تن چغندر قند را در هر شبانه روز دارد و ظرفیت تولید شکر سفید آن ۲۵۰ تن در هر شبانه روز است و دارای ۱۵۰ نفر کارگر دائم و ۲۰۰ نفر کارگر موقت در شبانه روز است و در سالهای گذشته دارای رتبه های کشوری متعددی از لحاظ تولید و کیفیت بوده است.

تحسن و اعتصاب در سه شرکت پتروشیمی ایران

خبرهای رسیده در مورد کارکنان پتروشیمی خارک واقع در جزیره خارک و پتروشیمی اصفهان واقع در استان اصفهان و پتروشیمی اراک واقع در شهر اراک این است که این کارکنان به علت اعتراض به مصوبه هیئت مدیره صنایع پتروشیمی ایران بر اساس پیشنهاد نعمت زاده معاون وزیر نفت در پتروشیمی و تأیید زنگنه وزیر نفت در مورد خصوصی سازی و واگذاری شرکتهای خصوصی شده به همراه کارکنان آنها به صاحبان جدید و قطع هر گونه ارتباط پرسنلی و استخدامی با وزارت نفت از روز پنج شنبه تاکنون در تحسن بسر میبرند و خواسته های خود را بصورت زیر اعلام کرده اند:

۱_ لغو مصوبه هیئت مدیره و پوزش رسمی از توهینی که به کارکنان شرکتهای واگذار شده، شده است.

۲_ اعلام رسمی و شفاف اینکه این کارکنان تا پایان خدمت و در زمان بازنشستگی همچنان کارکنان وزارت نفت محسوب خواهند شد و به هیچوجه و بدون هیچ قید و شرطی از وزارت نفت جدا نخواهند بود.

۳_ اعلام آزاد بودن انتقالی از شرکتهای واگذار شده به هر یک از

بقیه در صفحه بعد

ادامه چند خبر

بقیه از صفحه قبل

کارکنان پتروشیمی اصفهان که از بحث با نماینده اعزامی از سوی صنایع پتروشیمی (بخشیان مدیر اداری و آموزش) که در واقع به کارکنان تنها قول تبعیت از قوانین نفت را داد به نتیجه ای نرسیده اند اعلام نمودند در صورت عدم دستیابی به خواسته های مذکور، روز دوشنبه ۸/۱۲/۸۲ از رفتن به محل کار خودداری، و تدریجاً اقدام به توقف تولید در تاریخ ۸/۱۲/۸۲ در این مجتمع خواهد شد. با اعتصاب کارکنان شرکتهای پتروشیمی اراک، پتروشیمی اصفهان و پتروشیمی خارک اعتراض گسترده ای به تصمیمات نابخردانه وزیر نفت و معاونین او شده است.

لازم به توضیح است که تاکنون نه دولت و نه مدیریت این صنایع حاضر به قبول مطالبات کارگران نشده اند و کارگران در آخرین نشست خود تصمیم گرفته اند تا با انتخاب نمایندگان خود و در ارتباطی تنگاتنگ با واحد های مشاه به یک اعتراض گسترده دست زنند. سازمان ما بارها خواسته و هشدار داده است که مادامی که کارگران در انزوا از سایر کارخانه ها حرکت نکنند و نتوانند از طریق ایجاد کمیته های کارخانه و یا سایر تشکل های خود اتحادی متشکل و سراسری ایجاد بکنند در مواجهه با ترفند های دولت و سرمایه داران قادر به مقابله موثر در جهت به کرسی نشاندن خواسته هایشان نخواهند شد.

خبرهایی در خصوص احضار، تحصن و اعتصاب غذای دانشجویان
در ادامه اعتصاب غذای دانشجویان خواجه نصیر، غذای دانشجویان برای بار دوم داخل کیسه رفت. در ادامه اعتراض صنفی دانشکده برق دانشگاه خواجه نصیر، برای افطاری یکشنبه شب تنها ۳۰ غذا تهیه شده بود و ۱۸۰ نفر باقیمانده در خوابگاه گرسنه مانده اند. یاقوتی، دبیر کل شورای صنفی دانشگاه خواجه نصیر با اعلام این خبر افزود: در ادامه این اعتراض مجدد این غذاها را در کیسه ریخته و به دفتر مرکزی دانشکده واقع در خیابان میرداماد بردیم. یاقوتی ادامه داد: از امروز به بعد ما تنها با معاونت دانشجویی دانشگاه روبرو هستیم و و از آنها توقع داریم. عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم: تحصنمان را از سر میگیریم. وی گفت: از فردا مجدداً در اعتراض به عدم تحقق وعده های مسئولان وزارت علوم و احکام صادره کمیته انضباطی، در مقابل معاونت دانشجویی این وزارتخانه، تحصن میکنیم. عباس شکوهمند در گفتگو با خبرنگار سیاسی خبرگزاری دانشجویان

بقیه در صفحه بعد

شرکتهای تابعه وزارت نفت چه در جنوب و چه در شمال. طی اطلاعات رسیده از شروع تحصن کارکنان پتروشیمی خارک تاکنون از طرف رئیس کارخانه، بخشداری جزیره خارک، و نمایندگان وزارت اطلاعات از راههای مختلف از کارکنان متحصن خواسته شده است که به تحصن و اعتصاب خود پایان داده و به سر کارهای خود برگردند. ولی این خواسته پذیرفته نشده و متحصنین اعلام کرده اند که تا نماینده ای از طرف شخص وزیر با آنها ملاقات نکند و بطور رسمی پذیرفتن خواسته های آنها را اعلام ننماید نه تنها به تحصن خود ادامه خواهند داد بلکه دست به اقدامات جدیدتری خواهند زد و برای این کار ضرب العجلی تا روز شنبه ۸/۱۲/۸۲ تعیین شده است. ظاهراً افرادی که هم اکنون در جزیره خارک بسر می برند منتظر آمدن همکاران خود از استراحت به سر کار بوده تا با اجتماع تمام کارکنان در مورد خواباندن کارخانه در صورت پذیرفته نشدن خواسته های اعلام شده تصمیم گیری نمایند. (کارکنان پتروشیمی خارک بصورت اقماری دو هفته کار دو هفته استراحت کار می کنند.) همچنین



نشریه ریگای که ل ارگان کمیته ایالتی کردستان سازمان به زبان کردی منتشر شد.

نشریه دان اولدوزو ارگان کمیته ایالتی آذربایجان سازمان به زبان ترکی آذری منتشر شد.

برای دریافت نشریات فوق به سایت سازمان در شبکه اینترنت مراجعه

ادامه چند خبر

بقیه از صفحه قبل

داد که مربوط به ربودن دختران توسط افراد بسیج و تجاوز به آنهاست.

این خبر در حالی انتشار یافته که اخیراً و در هماهنگی ما بین بسیج و قوه قضائیه برای بسیجیهای مساجد کارتهای بازرسی و کنترل صادر شده و به آنها اختیارات امنیتی - انتظامی داده شده است. بسیاری از افراد لباس شخصی و انصار حزب لله اعضای بسیج محالند. پس از گزارشی که روزنامه خرداد به مدیریت و صاحب امتیازی حجت الاسلام عبدالله نوری (در آغاز دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی) منتشر ساخته و در آن چند خبر پیرامون جنایات و تجاوزهای ناموسی و حتی تجاوز به جوانان محلات را بعنوان یک هشدار منتشر کرد، این جدیدترین گزارش است که در این زمینه و البته با احتیاط بسیار منتشر شده است.

حوادث از روی پرونده ای که در قوه قضائیه مطرح است نوشت: چهار جوان تحت عنوان ماموران بسیج، دختران را به بهانه های منکراتی در منطقه شهرری (همان منطقه ای که ضارب حجابیان ((سعید عسگر)) از آنجا برخاسته) بازداشت میکردند و آنان را با اتومبیل خود به خانه های امن انتقال میدادند. (به شیوه بازداشتگاه های مخفی که همچنان در جمهوری اسلامی دایرند).

این چهار تن به دختران دستگیر شده میگفتند باید در خانه های امن و در جلسات گفت و گو ارشاد شوند؛ اما به دخترانی که به خانه امن میکشاندند، تجاوز کرده و سپس آنها را تهدید میکردند که اگر در این باره جایی صحبت کنند، خود و خانوادههایشان را گرفتار مصیبت بزرگی خواهند کرد.

اعضای این گروه از برخی قربانیان پسر و دختری که به خانه های امن برده میشدند، حتی اخاذی نیز میکردند و سپس رهایشان میساختند.

به گفته یک منبع آگاه، دخترانی که به این ترتیب مورد تجاوز جنسی قرار میگرفتند از ترس آبروی خود و خانواده خویش راز روده شدنشان و رفتن به خانه های امن را پنهان میکردند. چندی پیش دختر نوجوانی با مراجعه به کلانتری ۱۷۲ شهرری و اعلام شکایتی در زمینه ربوده شدن خود، پرده از راز فعالیت این گروه برداشت.

به نوشته ((حوادث)) این دختر در جریان بازجویی گفت: حدود ساعت هفت غروب، همراه یکی از دوستانم و برادرش در حال

ایران (ایسنا)، ابراز عقیده کرد: مسئولان کمیته انضباطی دلیل اثبات حکم ما را، داشتن پرونده سیاسی در دادگاه کرج اعلام کردند و آنرا به نفع ما دانستند، در صورتیکه دادگاه میتواند بر اساس این احکام، مجازات ما را تشدید کند. وی افزود: ظریفیان، معاون دانشجویی وزیر علوم، محدث، مدیر کل دانشجویان داخل و گنجوی، دبیر کمیته انضباطی به ما قول دادند که جدا از مسائل سیاسی، حکم نهائی را درباره ما صادر کنند، اما متأسفانه این امر صورت نگرفت. شکوهمند در پایان با انتقاد از عملکرد کمیته انضباطی دانشگاه تربیت معلم، ابراز عقیده کرد: کمیته انضباطی در طی یک سال گذشته، وظیفه محدود کردن اعتراضات صنفی و سیاسی را به عهده گرفته است. همچنین به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر بر اساس اعلام قبلی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی، به این شعبه احضار میشود. وی بر اساس احضاریه ای که همزمان با آزادی مهدی حبیبی در مرداد ماه به وی ابلاغ شد، باید در تاریخ ۱۳ آبان در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب حاضر شود.

گوشه کوچکی از آنچه در زیر پوست شهر میگذرد

تجاوز تیمی به دختران در خانه امن بسیج شهر ری

ستم بر زنان و دختران، تعرض به حقوق کودکان در ایران جمهوری اسلامی زده ما هر روز و هر ساعت افزایش مییابد، هر روز شاهد فجایعی هستیم که از ملاحظه آنها مو بریدن انسان سیخ می شود، انسان را در هم فرو میبرد، و اولین چیزی که به نظر میرسد این است که، اگر من انسان با خواندن و یا فقط شنیدن این همه درد و رنجی که بر این انسانهای بیگناه عارض میشود، زجر میکشم و از فکر کردن به آن شکنجه میشوم آنگاه این کودکان و نوجوانانی که خود گرفتار این فجایع غیرانسانی و وحشیانه هستند و هیچ امیدی هم برای رهایی ندارند، چه میکشند و چگونه ناچار از تحمل اینهمه ظلم و ستم میشوند؟

گزارش زیر تنها نمونه ای از این ستم هاست، نوشته اند که: سایت حوادث که معمولاً اخبار و گزارشهای قضائی و جنائی را مستقل و یا برگرفته از مطبوعات داخل کشور منتشر میکند، در آخرین و تکاندهنده ترین گزارشی که منتشر کرد، خبر از پرونده ای

بقیه در صفحه بعد

تجاوز تیمی به دختران...

بقیه از صفحه قبل

بدون برخورداری از هرگونه امکانی در وضعیت بسیار اسفناکی به سر برده و با نگرانی و تشویش منتظر اقدامات شما هستند. پناهجویان کرد و ایرانی که بخاطر دفاع از آزادی و دموکراسی تحت تعقیب بوده و بناچار خانه و کاشانه خود را ترک و به امید یافتن سرپناهی امن، با تحمل خطرات جانی بسیار خود را به ترکیه رسانده اند تا زیر پوشش نمایندگان شما به کشور ثالثی فرستاده شده و اقامت گزینند، بعد از سالها تحمل آوارگی، گرسنگی، بی مسکنی و فقدان بهداشت و دارو و درمان با بی تفاوتی و عدم رسیدگی، بخش وان (یوان) مواجه شده و بناگزیب دست به تجمع اعتراضی زده بودند. اما کارمندان ومسئولین شما در محل، بجای پاسخ گوئی به خواست های برحق و انسانی و قانونی پناهجویان، در برابر ضرب و شتم و دستگیری آنها توسط پلیس ترکیه سکوت اختیار کردند. بدون تردید این بی توجهی نسبت به خواست های پناهجویان و این سکوت در برابر اقدامات سرکوبگرانه پلیس ترکیه ازطرف هر انسانی محکوم است. میخواهیم به اطلاع شما برسانیم که هم اکنون این پناهجویان از لحاظ جسمی و روحی در وضعیت بسیار خطرناکی به سر میبرند. تهدیدات پلیس مبنی بر دیپورت آنها به ایران، این نگرانی را به شدت افزایش داده است و از شما مصرانه میخواهیم در برابر جان و زندگی این انسانها برخوردی مسئولانه کرده و با عمل به وظایف قانونی و انسانی خود، نسبت به آزادی پناهجویان دستگیر شده و اعزام کلیه پناهجویان به کشورهای امن و پناهنده پذیر اقدامات لازم را مبذول دارید.

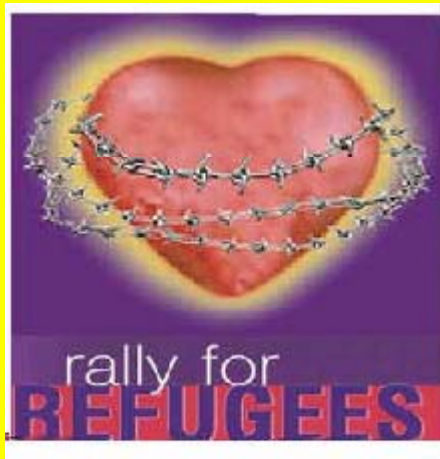
قدم زدن در خیابان بودیم که یک ماشین جلوی ما را گرفت و ۳ مامور از آن پیاده شدند. آنها خود را ماموران بسیج معرفی کردند و از ما خواستند سوار ماشین شویم، ما هم به اجبار قبول کردیم. در راه وقتی فهمیدند دوستم بنام «خاطره» با پسری که همراه ماست خواهر و برادرند، مقداری پول از آنها گرفتند و آزادشان کردند، اما مرا نگه داشتند و به راه خود ادامه دادند. گفتند: «تو را به خانه ای میبریم تا ارشاد شوی». آنها مرا به خانه خلوتی بردند و در آنجا به طرزی وحشیانه تجاوز کردند. بعد از تجاوز وقتی رهایم می ساختند تهدید کردند که اگر در این باره حرفی بزنم، مرا می کشند.

این دختر در جواب به این پرسشی که چرا مقاومت نکردی و از دیگران کمک نخواستی، گفت: «آنها دستگاه بیسیم، دستبند و کارت عضویت و کلت کمری داشتند و تا رسیدن به خانه، از قصد حیوانیشان خبر نداشتم». پس از شکایت این دختر، ماموران آگاهی شهری جست و جوئی برای شناسائی عاملان جنایت را آغاز کردند تا اینکه سه نفر از متهمان را هنگامی که می خواستند یک دختر دیگر را بازداشت کنند، دستگیر کردند ولی چهارمین نفر موفق به فرار شد. این سه جوان که سعید، حسین و محمد نام دارند و ۲۵ ساله هستند در بازجوییهای اولیه اعتراف کردند که به عنوان مامور اقدام به تهدید و آزار و اذیت (تجاوز) دختران جوان میکردند. نفر چهارم که فرمانده بازداشت شدگان نیز هست، هنوز فراری است و پرونده در دادسرای شهری در حال رسیدگیست.

متن نامه ارسالی به کمیساریای عالی پناهندگان

سازمان ملل در رابطه با وضعیت پناهجویان در ترکیه

باطلاع میرسانیم که بعد از یورش ماموران دولت ترکیه به تجمع اعتراضی و مسالمت آمیز پناهجویان در شهر وان این کشور و ضرب و شتم و دستگیری عده زیادی از آنها و علیرغم اعتراضات احزاب و مجامع مترقی به این اقدام غیر انسانی، و برغم قولهای داده شده از سوی مقامات ترک مبنی بر آزادی دستگیر شدگان، اما هنوز از آزادی پناهجویان دستگیر شده خبری نیست. آنها در زندانهای پلیس ترکیه



کارگران جهان متحد شوید! Workers of the world unite!

دید گاه ها !

از نویسندگان و همکاران تقاضا میکنیم حداقل امکان ، قبل از انتشار مقالات شان درجهان، آنرا در جای دیگری منتشر نکنند .



ایمان پاک مهر

کمیته های انقلابی - کمیته های انضباطی

دور جدید سرکوب جنبش دانشجویی با صدور احکام بدوی کمیته های انضباطی آغاز شده است، کمیته های انضباطی در دانشگاهها که در جریان سیاسی هدفدار شبیه سازی شده از کمیته های انقلاب است، پس از دو دهه از انقلاب اینبار به جای پرداختن به لباس و آرایش و ابرو و خال و موی جوانان و نوجوانان، به شکل سیاسی و با توسل به شیوه های سرکوبگرایی، به مسائل قلب دانش ایران میپردازد.

درحالیکه جامعه دانشگاهی در ایران صلیبی از صلح و حقوق بشر، علم و ایمان را در دست دارد، ولی خشونت طلبان همچنان استادانه مشغول کوبیدن بر طبل احساس و شعور کشی هستند و بر رنجها می افزایند.

حال جنبش دانشجویی اهداف و استراتژی خود را در برابر کف یا سطح مطالبات مردم در مرحله اول با ساز و کار مدنی مطرح میکند، به طوریکه گرایش های مدنی، انسان مدارانه و اومانیستی جلوه بیشتری دارند.

در کل جنبش دانشجویی نبض جنبش اجتماعی بوده است که بدون تشکیلات واسطه و سازکار سیستمی ویژه احزاب تشکیل میگردد و نماینده افشار بیشتر و متنوعی از جامعه است.

جنبش دانشجویی هرگز سلطه استبدادی هیچ نظامی را برنمیتابد، چرا که عدالت و آزادی برای دانشجویانی که در حال ورود به زندگی جدید اجتماعی بوده موضوعیت بیشتری دارد.

در چنین ساختاری، ذهنیتها بر مدار حق مداری، عدالت طلبی و آزادی خواهی بیشتر یخته شده چرا که به راحتی میتواند نگرشی متفاوت به حق و تکلیف داشته باشد.

علیرغم بروز تفکرات دگراندیشانه در جنبش دانشجویی، دغدغه توزیع اطلاعات، قدرت و ثروت به عنوان سید اطلاعاتی، اجتماعی و اقتصادی و در کل، حق حیات را با ملزومات همه جانبه و قابل دسترس آن میخواهد، بطوریکه در برابر هر تفکری که در تضاد با چنین روندی باشد مخالفت و موضعگیری میکند. جنبش دانشجویی

زمانی ظاهر شد که چنین ملزوماتی را به عنوان حق مشروع خود خواسته و متوجه شده که بدون پرداخت هزینه و گذر از فرایند زمانی ژرف نگری، حصول به آن غیر ممکن است.

با این پیش فرض که حرکت های دانشجویی در سطح جنبش اجتماعی به عنوان نبض جامعه در نظر گرفته میشود معیارهای سنجش مشروعیت نظام سیاسی نه در مردم عادی یا احزاب سیاسی صرف، بلکه در جنبش و مطالبات دانشجویی نمودار است. بطوریکه عدم توجه به مطالبات دانشجویی در بسیاری از موارد توانسته است معادلات نظام های سیاسی را برهم زده، مشروعیت حاکمیت را در داخل و یا در سطوح بین الملل زیر سؤال ببرد. هرچند احزاب سیاسی میتوانند برای جذب آرای مردم در چهارچوب منافع حزبی و با توسل به شیوه های رایج و خاص، رای مردم را شاید به طور موقتی جذب کرده و علیرغم داشتن نماینده در پارلمان یا هیات دولت نتوانند به شعارهایی که داده اند عمل کنند، ولی اشخاص یا جریانهایی که نماینده جنبش دانشجویی بوده اند، اگرچه به صورت انفرادی یا مستقل به پارلمان راه می یابند بیشتر توانسته اند با پشتوانه قدرتمندی در جهت حل مشکل بکوشند.

جنبش دانشجویی سنتزی است که از دیالکتیک حاکمیت و ملت به وجود آمده و بیشتر یک گرایش برون حکومتی است. بهمین دلیل بیشتر با اپوزیسیون همخوانی دارد تا نظام های حاکم. این جنبش در بیشتر مسائل حقوقی من جمله در محاکم قضائی به اتهام ارتباط با اپوزیسیون و نیروهای خارج از نظام محکوم میشوند. چراکه دانشجویان بیشتر با روشنفکران و دگراندیشان همگام و طرف مشورت هستند تا نظامهای سیاسی حاکم، چون نظریه انتقادی به مسائل مینگرند.

همچنین با توجه به ریشه یابی این جنبش، جنبش دانشجویی با دگراندیشان همگام شده اند و رفتارهای سیاسی و اجتماعی خود را با آنها هماهنگ میکنند.

بروز دیدگاه حذفی (از سوی جنبش دانشجویی) در برابر تمامیت خواهان، محصول رفتارهای اقتدارگرایان است. چنین دیدگاه جنبش دانشجویی توانسته باعث عمیقتر شدن روابطش با مردم شود بطوریکه در هر قهر، سرکوب و شرایط بحرانی علیه این جنبش مردم در کنار دانشجویان بودند.

کمیته های انقلابی...

بقیه از صفحه قبل

می شوند که از موضوعات اساسی تر انتقاد کنیم و اما سوژه: یکی از بزرگراههای تهران، در یکی از تقاطعها است. خوشبختانه بزرگراههای تهران بر خلاف بزرگراههای همه دنیا دارای تقاطع و چراغ قرمز هستند و میتوان در پشت این چراغها صحنه های جالبی را مشاهده کرد. پشت چراغ قرمز متوقف هستی. از آن سوی چهار راه جوانی با سر تراشیده وارد جماعت اتومبیلهای پشت چراغ میشود. جوان، نخستین اتومبیل مدل بالا را نشان میکند. یک دوج تفره ای. تعدادی کاغذ فال و فالگیری حافظ را که در دست دارد کنار شیشه دوج میگیرد. با انگشت چند ضربه به شیشه میزند. راننده با اشاره سر میفهماند که نیازی به فال ندارد. او را رها میکند، سراغ اتومبیل بعدی میرود. راننده آن هم از خرید فال امتنا میکند. از اتومبیل سومی و چهارمی هم آبی گرم نمیشود. جوان در حرکتی غیر منتظره دور خود میچرخد، پشت به چراغ قرمز و رو به صفوف اتومبیلها می ایستد و فالها را با دو دست پاره میکند. جوان، هر نیمه پاره فالها را در یک دست میگیرد، دستها را بالا میبرد و فریاد میکشد: تف به این زندگی که من دارم، ای خدا... امروز هیچی نفروختم، هیچکس فال نمیخوره، من گرسنه ام، ای خدا... گرسنه ام، چیکار کنم و... همچنان که فریاد میزند محتویات دو دستش را به هوا پرت میکند. پاره های فال در هوا چرخ می خورد و روی ماشینها میریزد. جوانک سپس بی توجه به دستهایی که این بار از پنجره ماشینها به سویش دراز شده دوباره دستها را به آسمان میگیرد و باز فریاد میزند: ای خدا... به این بنده هات بگو به من کاری نداشته باشن، خودت روزیمو بده، ای خدا فاملو پاره کردن، جواب صاب کارمو چی بدم. ای خدا... میرم دزدی، میرم دختر ربائی. او این جملات را میگوید و با حرکاتی عصیانی میدود به سمت کنار بزرگراه و در میان درختان غیب میشود. تکان دهنده است خواننده عزیز؟ با مصیبتی وصف نشدنی کمی دورتر جای پارک پیدا میکنی. روبرویش مینشینی. پشت درختان روی دو پا نشسته و سر را میان دو زانو فرو برده و دستها را روی سر گذاشته. میپرسی: از جماعتی که فال و بختی برایشون نمونده، چه توقع داری که فال بخزند؟ سر بلند میکند. لحظاتی مستقیم تو صورت نگاه میکند و میپرسد: چیکار داری؟ سئوال را تکرار میکنی. میگوید: همه اینها بچه بازی. مثلاً آگه نون بربری میفروختم فرقی نمیکرد؟ لحن صحبتش بسیار عصبی و دور از منطق مینماید. ادامه میدهی: زیر پل گیشا و سر باقر خان جوانهای گلفروش کاسبی خوبی دارن. سر را میان دو دست

بقیه در صفحه بعد

چنانچه حاکمیتها نتوانند صفبندی متفاوتی از اقتدارگران و تمامیت خواهان داشته باشند، در نتیجه به اختلاف و عدم تفاهم این جنبش با نظام سیاسی انجامیده و سختگیریهای حاکمیت منجر به فشارهای سنگین مردمی بر علیه خود خواهد شد.

تجربه نحوه صدور احکام بدوی از سوی کمیته های انضباطی به طور واضح نشان داد که فعالان کمیته های انضباطی برادر دینی سرکوب گرهائی هستند که به بخشی از جریان تمامیت خواه وابسته اند.

اگرچه در کنار سایر تلاشها، اراده آزادیخواهان، عدالت طلبانه و حقوق بشر خواهی جنبش دانشجویی منتهی به شکست تیوری ارباب، خشونت و شکنجه های روحی و جسمی عده ای شد، ولی ریسایکل و بازگشت سیاسی و اجباری، مجدد و شبیه سازی شده این تفکر در قالب کمیته های انضباطی در دانشگاه ها، به ترتیب به اتخاذ سیاست «مقاومت مدنی»، «نافرمانی مدنی»، توسط جنبش دانشجویی منتهی خواهد شد.

اگرچه کمیته های انضباطی به خوبی توانستند بین جنبش دانشجویی و حاکمیت شکاف ایجاد کنند ولی پروژه دیکته از خارج به کمیته های انضباطی به صورت مقطعی، موقت، نسبی و اصطحاکزا است، که قابل مقایسه با توان پایداری جنبش توانسته در جلب توجه و حمایت رسانه ها و روزنامه نگاران به عنوان نمایندگان افکار عمومی که از آرمان مشترک آزادی اطلاع رسانی برخوردارند، موفق باشد.

به هر حال جبر تاریخیست، که چنانچه جریانی بخواهد «نبض جامعه» را متوقف کند پلی برای بازگشت نخواهد داشت، و این آتش دامن بسیاری را خواهد گرفت.

نمونه گزارشاتی از وضعیت اسف بار زندگی مردم در زیر سلطه

حکومت اسلامی مافیای قدرت و ثروت

خدایا گرسنه ام چه کنم؟

فرامرز سیدآقایی

این یکی کودک نیست. جوان است. یکی از نابترین سوژه هائی که تا بحال با آن برخورد کرده ام. شاید هم مشکل امثال من به دیده سوژه به او نگاه میکنیم. سوژه ای که می نویسمش، به چاپ می سپریم و میرویم تا سوژه دیگر. چه می شود کرد. وقتی مانع



صفرخان، قهرمانلارین بیر قزل اولدوزو!

آذربایجان اولکه سینده ملی و آزادلیق ایچون فانلر توکولوب. بابک آل بایراغی نین اسلام خلیفه سی نین برابرینده ائوز قانینان خلقین آزادلیغینی وانسانین حرمتلی یاشاماسینا فدا ایدیب. ستارخان ایران خلقلرینه دموکراسی و آزادلیق یاراتماق اوچون چالیشوپ و قهرمانلیق یارادیب. حیدر خان عمو اوقلی لار و صمدلر و بهروزلر ورشیدلر و آیری مینلر جه سوسیالیست و آزادیخواه انسانلار بو یولدا دایانوب و آخیر نفه سه قدر خلقین سعادت یولوندا جان گویولار. صفر خان دا بیر بویوک قهرمانلارداندی که اوزونون ۳۲ ایلده ن چوخ عمرینی حبس ده کیچیردمش و ایشکنجه لر آتیندا ظالم لره یوخ دییب. صفرخان بابک آناسینین آلبایراق آتیندا یاشایب و فتودال لار و ظالم لر قاباقیندا باش یه ره سورتیب.

آذربایجانین بویوک قهرمانی صفرخان نین ابدیتنه قوشولماسی نین گونی دیر. بو فدائی ۳۲ ایللر شاه زندانلاریندا کئچیردمش، آدی کمین قهرمانلیق یارادوب و خالقینی آزادلیق و انسان برابری له یاشاماق ایچون مبارزه یه چاقیروب.

بو قهرمان انسانلار تاریخده قالان اولموش و خالقین مبارزه سی له یول آچیب لار. صفر خان آزادلیق و انسان یاشاما ایچون ملی آذربایجان قوشونوندا خالقین ایلنده اختیار آلموش ایچون چالیشب. آذربایجان قورولان ملی حکومتی نین ۱۳۲۵ اینجی ایلینین آذر آئیوندا شاه چوروموش اردوسی مالک لرین و ارتجاع لارینان بیرلشمیش و آذربایجان خالقینی سرکوب ادیب و بیر نیچه ایل ده ن سونرا صفرخانی یا خلیوب و ئوز اینانمیدان ال گونورمکی ایچون ایشکنجه آتینا آلیپ. اما صفرخان هیچ بیر اونلارین فیرتانالارینا اویمویوب اوز خلقینه وفادارقالیب، و شانلی بهمن انقلابیندا آزادلیقا یتشدیر. آذربایجان ایالتی کمیته سی صفرخانین عائله سینه، یولداشلارینا، فدائیلره، تانیشلارینا و بوتون آذربایجان خلقینه باش ساغلیقی دیر. صفرخانین و انون یولداشلارینین قهرمانلیخلاری بوگون آذربایجان خلقینه و انون کارگر و زحمتکش لرینین مبارزه سینین دوام ایتمه گینه امید و قوه ویریر، اونلارین یوللارینا ایشیق سالیر، البته کی بو یول تا آزادلیق، انسانیت و برابریک و سوسیالیسم دشمنلرینه غلبه

نمونه گزارشاتی از وضعیت اسف بار...

بقیه از صفحه قبل

میاندازه. شانه هایش شروع به لرزیدن میکند و: تو چته؟ میگوئی: دل دیدن غصه مردمو ندارم. تو هم یکی مثل خودم. ممکن بود چرخ آسمون طور دیگری میچرخید و الان من جای تو بودم و تو جای من. هر انسانی ممکن بود جای تو بود. میبرسد تو چکاره ای که میگوئی. میبرسی صاحب کارت کیه که فلاشو پاره کردی؟ میگوید: یه بابائی. میبرسی: برای این چهار راه سرفلی میدی؟ در می آید: تومانی پنج زار. میبرسی: تا حالا واسه خودت از اون فالها برداشتی؟ پوزخند میزند. میگوئی: میخوام داستان زندگیتو بدونم. داستانش را میگوید. داستانی ایرانی. از همین میلیونها داستانی که هر روز دور و بر خود مبینیم و وقت و توان نوشتنش را نداریم و اگر بنویسیم فایده ای ندارد. داستان جوان هم، داستانیست تکراری و قابل حدس. هرآن چه شما خواننده عزیز تصور بکنید، داستان آن جوان است. مثلاً نکبتی که روستائی را گرفته و اهالی آن را به شهر کشانده. شهر هم دست کمی از نکبت روستا نداشته و اهالی سر از تهران درآورده اند. در تهران هم که میگویند پول ریخته ولی کسی نیست که جمع کند، این جوان آمده تا جزو جمع کنندگان پولهای دور ریختنی باشد. میبرسی: حالا واقعاً اون طور که عصبانی شدی و فریاد زدی قصد داری بری، دزدی و دختر ربائی؟ چشمها را از هم باز میکند و به چشمهای خیره میشود: نمیدونی چه درآمدی داره. هم ولایتیام تو این کارن. به همه چی رسیدن. من حالم به هم میخوره. میبرسی: پس چرا نگفتی؟ میگوید: عصبانی شدم دیگه. خواستم اونارو خجالت بدم. میبرسی: کیارو؟ میگوید: همونائی که شیشه بالا داده بودن و فالامو نخردن. می گوئی: خجالت بکشن که... وسط حرف می پرد: آره. غرور یه جوون بیکار غریب بی پیر و ننه رو شیکوندن. میخندی: بعد هم برن خونه با وجدانشون دعوا کنن؟ میگوید: یکی بیست میلیون ماشین زیر پاشون انداختن ولی یه فال نمی خرن. بحث را عوض میکنی: چقدر درس خوندی؟ میگوید: دیلم. میگوید و بلند میشود و راه می افتد، چند قدم میرود و برمیکردد. با صدائی کمی بلند حکم میکند: نیا. ولم کن. اگه نه میرم دنبال همون هم ولایتیام. چی فکر کردی؟ دنبال نیا. دیگه باهات حرف نمیزنم. برو دنبال یکی دیگه. سر چار راه ها پره بدبختیائی مثل من. میذارم به وجدان خودتون. اگه حق میگم یقه همتونو میگیره. اگه هم خواستی بیشتر مصاحبه کنم صبر کن چند وقت دیگه تو دادگاه باهام صحبت کن. جای جنایتکار... میگوید و میرود.

بقیه در صفحه بعد



صفر خان، قهرمانلارین...

بقیه از صفحه قبل

چاتماغا جا ادمه سی وار. چونکه انسانیت، آزادلیخ و برابریک یولوندا جان قویانلاراونودولماز و یول لاری هر زمان دواملیدور. بیرلشمیش کمونیست فدائیلرین آذربایجان ایلتی کمیته سی
۱۳۸۲_۸_۱۴



در یک همایش بزرگ انترناسیونالیستی و ضد امپریالیسی، تظاهرات گسترده مردم بر علیه جرج بوش به تظاهرات اعتراضی عظیم علیه امپریالیسم و سرمایه جهانی تبدیل شد. طی تظاهرات عظیم روزهای اقامت جرج بوش رئیس جمهور آمریکا در لندن، بویژه در روز پنجشنبه صدها هزار تظاهرکننده با دادن شعارهایی بر علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان آن پرچم این کشور را به آتش کشیدند، مجسمه های کاغذی بوش و بلر را بصورت سمبلیک به زیر افکنده و روی آنها پیکوبی کردند، بوش از اینجا برو بیرون، بوش به جهنم برو، بلر را هم با خودت ببر، کشتار مردم خاورمیانه بس است، مرگ بر امپریالیسم آمریکا و انگلیس، بوش و بلر، قاتلین مردم عراق، افغانستان، فلسطین، دیروز افغانستان، امروز عراق، فردا کجا؟ از جمله شعارهای تظاهرات کنندگان بودند.

نشریه جهان کمونیستی هر پانزده روز یکبار زیر نظر هیات سیاسی و با مسئولیت رفقای نامبرده در زیر منتشر میشود.
تحریریه:
نظام ص.
کلثوم س.
مصطفی ح.
بهرام ص.
مسئول اجرائی نشریه بهرام ص.
نشانی های تماس با اتحاد فدائیان کمونیست
www.fedayi.org
شورای مرکزی
centralconcil@fedayi.org
هیات سیاسی
politburo@fedayi.org
نشریه جهان کمونیستی
jahan@fedayi.org
کمیته کردستان
kurdistan@fedayi.org
کمیته آذربایجان و دفتر نشریه دان اولدوزو
azer@fedayi.org Azerbaijan committe
امور پناهندگی
panahjo@fedayi.org
فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+ (۴۶) ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم